

مسئله کودکان و تحصیل دختران



ریحانه صادقی
مترجم

➤ هر کودکی حق برخورداری از سلامت، تحصیلات و حفاظت و حمایت را دارد. با این حال، در گوشه گوشه دنیا، میلیون ها کودک به دلایلی مانند زندگی کردن در کشوری خاص، جنسیت یا شرایطی که در آن متولد شده اند از داشتن فرصت های برابر و منصفانه محروم اند. این محرومیت ها آثاری پایدار بر جسم، روح و زندگی آن ها به جا می گذارند.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، وضعیت کودکان در اروپا در مرحله بسیار وخیمی قرار داشت، و همین سبب شد سازمان ملل متحد (UN)، که یکی از سازمان هایی است که توجه بسیاری به مسئله کودکان جهان دارد، در سال ۱۹۴۶، آژانسی جدید را برای ورود به این مسئله و تهیه خوراک، پوشاک و مراقبت هایی بهداشتی برای این کودکان ایجاد کند.

این آژانسی با عنوان اختصاری یونیسف (UNICEF) یا صندوق اضطراری کودکان ملل متحد، که در ابتدا برای رسیدگی به وضعیت کودکان چینی و اروپایی در دوره پساجنگ تأسیس شده بود، در سال ۱۹۵۳ به یکی از زیرشاخه های ثابت سازمان ملل تبدیل شد. یک سال بعد، در سال ۱۹۵۴، روز ۲۰ نوامبر با هدف بزرگداشت مفاهیمی همچون اتحاد بین المللی، آگاهی رسانی به کودکان جهان، و بهبود وضعیت رفاهی کودکان به عنوان «روز جهانی کودک» نام گذاری شد.

۵ سال بعد، در روز ۲۰ نوامبر سال ۱۹۵۹، «بیانیه حقوق کودک» به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. در این بیانیه، حق حفاظت و حمایت، تحصیلات، مراقبت های سلامت، سرپناه و تغذیه مناسب به عنوان حقوق کودکان تعریف شدند. ۳۰ سال بعد نیز، در ۲۰ نوامبر سال ۱۹۸۹، این مجمع «پیمان نامه حقوق کودک» را به تصویب رسانید. از آن زمان تاکنون، همه فعالیت های یونیسف در این زمینه در چهارچوب همین پیمان نامه انجام می شود. این پیمان نامه تأثیر بسزایی بر تغییر نگاه و رفتار با کودکان -به عنوان انسان هایی با حقوق مشخص و نه به عنوان اشیای منفعلی که به محافظت و رحمت دیگران نیاز دارند- داشت و استقبال بی سابقه ای که از آن شد به وضوح نشان دهنده تعهد گسترده جامعه جهانی به احقاق حقوق کودکان است.

پس از گذشت بیش از یک دهه توجه و تمرکز بر مسائل بهداشتی و سلامتی کودکان، یونیسف سرانجام حوزه توجه خود را گسترش داد و به همه نیازهای یک کودک معطوف کرد. از این زمان به بعد بود که توجه مستمر به مقوله تحصیلات کودکان، ابتدا با تقویت دوره های آموزشی معلمان و فراهم ساختن ابزارهای لازم برای کلاس های درس در کشورهای تازه استقلال یافته آغاز شد. علی رغم پیشرفت های بسیاری که در بسیاری از کشورهای جهان برای برخورداری کودکان از حق تحصیلات انجام شد، اکنون بیش از ۱۷۵ میلیون کودک در جهان از ورود به دوره پیش دبستانی بازمانده اند. این کودکان یکی از مهم ترین فرصت های سرمایه گذاری روی آینده خود را از دست می دهند و از همین آغاز قربانی پیامدهای ناشی از نابرابری های عمیق اجتماعی خواهند بود. طبق گزارش یونسکو در سال ۲۰۱۷، ۶۰ کودک از هر ۱۰ کودک بدون کسب مهارت های کمینه در خواندن و ریاضیات، دوره دبستان را رها کردند. تحصیلات البته، همان طور که گفته شد، یکی از حقوق اولیه بشر است، اما شکی نیست که فراهم آوردن امکان تحصیل برای دختران یکی از اثرگذارترین راه های دستیابی کشورها به شکوفایی کامل ظرفیت های اقتصادی، بهبود سطح سلامت شهروندان، کاهش مناقشات و درگیری ها، و نجات زندگی شهروندان است.

در همین راستا، بنیاد آسیا (The Asia Foundation) طی چند دهه گذشته، با اجرای برنامه های آموزش دختران در بسیاری کشورهای آسیایی از قبیل ویتنام، افغانستان، کامبوج، تایلند و مغولستان به محقق شدن این هدف کمک کرده است.

جین سلون (Jane Sloane)، مدیر ارشد طرح توانمندسازی زنان در این بنیاد، معتقد است در زمانه ای که نابرابری به طور روزافزون در برخی کشورهای آسیایی دسترسی دختران به آموزش و پرورش را تحت تأثیر قرار می دهد، توجه به دختران، و به ویژه تحصیلاتشان، در این جغرافیای آشوب زده باید بیش از پیش افزایش یابد. دلایل جا ماندن دختران در برخی کشورهای آسیایی عبارتند از: ازدواج زودهنگام، هنجارهای جنسیتی و بسیاری عوامل اجتماعی فرهنگی دیگر. جا ماندن دختران از تحصیل آثار مخرب دیگری را با خود به همراه خواهد داشت. این امر سبب محدود شدن مشارکت زنان جوان در حوزه هایی مانند علوم، فناوری، مهندسی، ریاضیات و علوم کاربردی، و در نهایت تنگ تر شدن عرصه بر آن ها در یافتن فرصت های شغلی مناسب خواهد بود.

آموزش دختران و زنان جوان علاوه بر تغییر زندگی آنان می تواند سبب تغییر تاریخ یک ملت نیز شود. جین معتقد است اکنون دیگر زمان سرمایه گذاری روی تحصیلات و آموزش دختران آسیایی برای تبدیل این آرزو به یک واقعیت برای نسل بعدی فرا رسیده است.

منبع: <https://www.un.org/en/global-issues/children>

نقیسه زمانی
فصل فرهنگی



(ایراندخت)

نگاهی به زنان مقتدر مسلمان تاریخ ایرانیان

تاجلی بیگم، بانوی سیاست مدار صفوی

➤ سال ۱۴۸۸ میلادی در موصل، از قلمرو حاکمان آق قویونلو، دختری زاده شد به نام تاجلی بیگم که پدرش محمد بیگ ترکمنان بود. بعدها سرنوشت چنان رقم خورد که تاجلی بیگم نامش کمال یافت و خوانده شد «نواب علیه تاجلی شاه بیگی خانم». سرنوشت وی چنین بود که در سال ۱۵۰۳ میلادی با مؤسس سلطنت صفویان، شاه اسماعیل اول، ازدواج کرد و بانوی دربار شد. تاجلی بیگم خانم همچون همسرش شیعه بود. بانوی دربار صفویه ۳ پسر زاد به نام های تهماسب میرزا، بهرام میرزا و سام میرزا، و دخترانی به نام های مهین بانو خانم و پریخان خانم از وی متولد شدند. تاجلی بیگم هوش سرشاری داشت و آشنا به نبرد بود. مهارت بسیاری نیز در شمشیرزنی داشت. چنین بود که همسرش را در جنگ ها همراهی می کرد. تاجلی بیگم در جنگ ایران با ازبکان و جنگ چالدران با عثمانیان حضور داشت. شجاعت و درایت وی مهرش را در چنان در دل شاه اسماعیل نهاده بود چنان که شاه صفوی برای شهبانوی خویش شعر می سرود. تاجلی بیگم در جنگ چالدران به دست یکی از فرماندهان عثمانی همراه همسر دیگر شاه اسماعیل به نام بهروزه خانم اسیر شد، اما بانو تاجلی بیگم از درایتش استفاده کرد و در قبال آزادی خویش، یک جفت گوشواره لعل به اسکندر پاشا، سردار سپاه دشمن، داد. اسکندر پاشا نیز وی را آزاد کرد. تاجلی بیگم که اسارت درخور وی نبود، بعد از آزادی و قبل از فرار، سر اسکندر پاشا را از تنش جدا کرد و نزد شاه سلیم اول عثمانی فرستاد. سال ۱۵۲۴ میلادی، شاه اسماعیل اول دار فانی را وداع گفت. بانو تاجلی بیگم نیز با کمک سران قزلباش و دیگر بزرگان دربار، فرزندش، تهماسب، را بر تخت سلطنت نشاند. فرزند ده ساله بود که تاج دار گشت و این چنین بانو ملکه مادر شد و لقب «نواب علیه» را کسب کرد. چون بانو رابط میان شاه و درباریان بود، شاه تهماسب مادرش را «شاه بیگی خانم» به معنای «والا ترین مقام دربار» نامید. قدرت نفوذ تاجلی بیگی خانم در طول حیات درباری اش موجبات فعالیت های مذهبی و خیر را نیز برای وی فراهم آورد و از زنان نیکوکار دوران خود بود. علاوه بر این، به امور عمرانی نیز اهمیت می داد. بانو تاجلی بیگی خانم در سال ۱۵۲۰ میلادی دستور بازسازی حرم حضرت فاطمه معصومه (س) را داد و در همان موقع، ایوان شمالی آن نیز ساخته شد. در سال ۱۵۲۷ به خواست بانو تاجلی بیگی خانم

پل دختر بازسازی شد. بنای عمارت گنبد در اردبیل نیز به دستور او ساخته شد. بانو وقف هایی هم در دوران حیات خویش انجام داده است که نمایانگر روح بزرگ یک زن سیاست مدار در عصر صفوی است. شاه بیگی خانم که خود در امور سیاسی درایت داشت، نتوانست حضور پررنگ قزلباشان در امور کشور را تحمل کند. به همین دلیل، قصد کرد از شدت روابط آنان در دربار بکاهد اما قزلباشان از نیت وی آگاه شدند و به مقابله با او برخاستند. قزلباشان به دلیل حفظ قدرت خود، میان شاه با ملکه مادر دشمنی انداختند و شایعه کردند که تاجلی بیگی خانم می خواهد از قدرت و نفوذش استفاده، شاه تهماسب اول را برکنار کند و بهرام میرزا را به جای او بر تخت شاهی بنشاند. شاه تهماسب نیز به مادرش بدبین شد و وی را به شیراز تبعید کرد. بانو تاجلی بیگم در طول سفر بیمار شد و تنها چند ماه توانست در شیراز زندگانی کند. سرانجام در سال ۱۵۴۰ میلادی در شیراز دیده از جهان فرو بست. پیکر بانو تاجلی بیگی با احترام در قطعه بی بی دختران شاه چراغ شیراز به خاک سپرده شد.

شهربانو

۲۴ آبان ۱۴۰۰
۹ رجب الثانی ۱۴۴۲ شماره ۲۵۲۹

(۷)